

مسائل اساسی پدیدارشناسی

مارتین هیدگر

مجموعه آثار

بخش دوم: درس گفتارها ۱۹۲۳-۱۹۴۴

مجلد ۲۴

ترجمه پرویز ضیاء شهابی

۴۵	۷. مضمون قول کانتی
۶۴	۸. تحلیل پدیدارشناختی تفسیر کانت از مفهوم وجود یا هستی
۶۴	الف) وجود (هستی) / اگزیستانس [بودن] / هست بودن، وضع مطلق و دریافت
۶۹	ب) دریافت، دریافته، دریافته بودن، تفاوت میان دریافته بودن و هست بودن هست
۷۲	۹. اثبات ضرورت برداشت اساسی تر از مفاد رأی و تبیینی اساسی تر از آن
۷۲	الف) نارسایی روان‌شناسی که علمی تحصلی است در توضیح هستی‌شناختی دریافت
۷۹	ب) سازونهاد وجودی دریافت، التفاتی بودن و تعالی
۹۲	ج) التفاتی بودن و فهم وجود
	مکشوف‌بودگی (دریافته‌بودگی) موجود و گشودگی وجود
۱۰۴	فصل دوم:
۱۰۳	قول منتسب به ارسطو و شایع در هستی‌شناسی قرون وسطایی:
۱۰۳	سازونهاد وجودی هر موجود را چه بودن (essentia/ماهیت) است و
	هست بودن (existentia/وجود)
۱۰۵	۱۰. مفاد رأی و بحث آن در فرادش
۱۰۵	الف) پیش‌نمود مسأله تلازم essentia [ماهیت] و existentia [وجود]
۱۱۳	ب) اجمالی در تحدید مفاهیم esse [بودن]، ens [موجود]، essentia و existentia در افق فهم قدیم و مدرسی (اسکولاستیک)
۱۲۰	ج) تمایز میان essentia و existentia در حکمت مدرسی (توماس آکوینی، دنس سکوتوس، سوآرز)
۱۲۳	α) نظر تومیستیان در باب distinctio realis [تمایز جوهری] میان essentia و existentia in ente creato [در موجود مخلوق]

فهرست مطالب

۲	پیش‌گفتار مترجم
۱۲	یادآوری‌های دریاب
۱۴	درآمد
۱۵	۱. باز نمود و بخش‌بندی کلی موضوع
۱۹	۲. مفهوم فلسفه
	فلسفه و جهان‌بینی
۲۷	۳. فلسفه چون علم به وجود
۳۱	۴. چهار قول دریاب وجود
	و مسائل اساسی پدیدارشناسی
۳۵	۵. روش‌مندی هستی‌شناسی
	سه گام اساسی روش پدیدارشناسانه
۴۰	۶. رئوس مطالب درس گفتار
۴۳	بخش اول: بحث پدیدارشناسانه-نقادانه در برخی قول‌های مائور
	در باب وجود
۴۴	فصل اول:
	قول کانت: وجود محمولی ماهوی نیست

۱۹۹	۱۵ § . مسأله اساسی کثرت نحوه‌ها و وحدت مفهوم وجود به‌طور مطلق
۲۰۰	الف) نخستین پیش‌نگاه به سازونهاد آگزیستانس دازین [قیام ظهوری در میان‌بودن]. نهادن بنا بر نسبت ذهن مُدرک-عین مُدرک (res cogitans-res extensa) که نقش غلط خواندن است از سازونهاد آگزیستانسیل وجود فهم‌کننده وجود پهلوی موجود
۲۰۳	ب) از پرده بیرون‌شوندگی وجود در ضمن روی به موجود داشتن در عین فهم وجود. بازتاب مبالغات چیزها چون فهم واقعی-هر روزینه وجود
۲۰۷	ج) ایضاح خودفهمی هر روزینه خود بر مبنای تفسیری ریشه‌ای‌تر از التفاتی بودن.
۲۰۹	در-عالم-بودن چون اساس التفاتی بودن α) ابزار. هم‌بستگی ابزار و عالم. در-عالم-بودن و جزء آن‌چه در عالم است [مافی‌العالم] بودن
۲۱۸	β) از بهر چه‌ای هرکسی را منی است از آن خودش و این معنا بنیاد خودفهمی مجازی و حقیقی است
۲۲۲	د) حاصل تحلیل با توجه به مسأله اصلی کثرت نحوه‌ها و وحدت مفهوم وجود
۲۲۶	فصل چهارم قول [متداول در] منطق:
	از و درباره هر موجود به‌هر نحو که وجود داشته باشد می‌توان به‌واسطه "است" سخن گفت [هر موجود — به‌هر نحوه از وجود

	— و تعیناتش را می‌توان با واسطه [هست و] "است" در بیان آورد. — وجود رابط
۲۲۹	۱۶ § . بیان مسأله هستی‌شناختی وجود رابط از زهگذر چند تبیین شاخص در طی تاریخ منطق
۲۳۰	الف) وجود در معنای "است" گزاره در رابط‌اندیشی از نظر ارسطو
۲۳۴	ب) وجود رابط در افق چه‌چیز بودن (essentia) به‌نزدیک هابس
۲۴۴	ج) وجود رابط در افق ماهیت (essentia) و وجود (existentia) به‌نزدیک جان استوارت میل
۲۵۱	د) وجود رابط و آموزه حکم مضاعف به‌نزدیک ه. لوتسه
۲۵۴	ه) تفسیرهای مختلف از وجود رابط و نبودِ طرحی ریشه‌ای از مسأله
۲۵۹	۱۷ § . وجود چون رابط و مسأله پدیدارشناختی گزاره
۲۵۹	الف) استوارسازی و تحدید نارسای پدیدار گزاره
۲۶۲	ب) نموده‌آوری پدیدارشناسانه بعضی از لوازم ذات گزاره. گزاره چون اضافه التفاتی و ابتدای آن بر در-عالم-بودن
۲۶۶	ج) گزاره چون نموده‌آوری آگاهی‌بخش-تعیین‌کننده و "است" رابط از پرده به‌درآمدگی موجود از حیث وجود و تمایز آن با فهم وجود چون پیش‌فرض "است" نامتمایز گزاره
۲۶۹	۱۸ § . حقیقت گزاره. معنای حقیقت به‌طور کلی و نسبت آن به مفهوم وجود

۷۱۷	۳۸۴	(ب) تفسیر کانتی وجود/ و مسأله زمانی بودن
۲۲۲	۳۹۰	۵۲۲. وجود و موجود/ فرق هستی شناختی
۲۲۲	۳۹۰	(الف) زمان مندی، زمانی بودن و فرق هستی شناختی
۲۲۲	۳۹۲	(ب) زمان مندی و موضوع بحث علمی گرفتن موجود (علم تحصیلی) و وجود (فلسفه)
۲۲۲	۳۹۷	(ج) زمانی بودن و ماتقدم وجود
۲۲۲	۴۰۶	مؤخره کوشنده به طبع و نشر
۲۲۲	۴۱۰	نمایه کسان
۲۲۲	۴۱۴	واژه نامه
۲۲۲	۴۲۹	نقل ها از متن های یونانی و لاتین نوشت آن ها
۲۵۲	۲۸۲	مسئله فرقی هستی شناختی
۸۵۲	۲۸۷	مسئله فرقی هستی شناختی
۲۲۲	۲۸۹	مسئله فرقی هستی شناختی
۲۲۲	۲۹۱	مسئله فرقی هستی شناختی
۲۲۲	۲۹۷	مسئله فرقی هستی شناختی
۲۲۲	۳۱۶	مسئله فرقی هستی شناختی

§ ۱. باز نمود و بخش بندی کلی موضوع

این درس گفتار* بر عهده خود می نهد که مسائل اساسی پدیدارشناسی^۱ را طرح کند، ورز دهد و مرحله مرحله به راه حلی نزدیک تر بیاورد. پدیدارشناسی باید از آن چه موضوع بحث^۲ می گیرد و شیوه ای که موضوعش^۳ را بر می رسد، مفهوم خود را بپرورد. وجهه همت مقصور است بر درون مایه^۴ و نظام درونی^۵ مسائل اساسی. مقصود روشن گری اساس این مسائل است.

بر این سان می خواهیم، نفیاً، بگوییم: سر آن نداریم که معلوم کنیم، به کردار مورخان، بر جریانی جدید در فلسفه، که بدان پدیدارشناسی می گویند، چه رفته است. از پدیدارشناسی نمی گوییم؛ از همان می گوییم که پدیدارشناسی، خود، از آن می گوید. این را نیز نمی خواهیم بدان هوا در شناخت بیاوریم که مگر خبر توانیم داد که پدیدارشناسی با این چیز و آن چیز سروکار دارد. درس گفتار با همان چیز سروکار دارد که پدیدارشناسی. شما نیز باید سروکارتان با همان

* تازه کوششی به نگارش بخش سوم نیمه اول وجود و زمان

1. Die Grundprobleme der Phänomenologie, the basic problems of phenomenology
2. das Thema, theme
3. Ihr Gegenstand, its object
4. Sachgehalt, inherent content
5. innere Systematik, inner systematic relationships